

حماسه تل الزعتر



دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان

مقدمه

در تاریخ انقلابی خلقهای جهان حماسه‌هایی وجود دارند که در قلبها همیشه جاویدان میمانند . حماسه تل الزعتر که با ازجان گذشتگی خلق کبیر وقهرمان فلسطینی ، با ریختن خون پاک هزاران زن و سرور و کودک آفریده شد ، صفحه ندرینی است از مبارزات خلق فلسطین و کلیه خلقهای ستمدیده جهان . تل الزعتر این حماسه مقاومت و پایداری که بحق " اسنالینگراد " دیگری لقب گرفته ، تا آخرین آنولسه ، تا آخرین نفر و آخرین نفس جنگید و هرگز تسلیم فاشیستها نشد و افتخار بشریت طرقتی کردید . امپریالیستهای بیوزنه و ابرقدرت ، صهیونیستها ، فاشیستهای لبنان و ارتجاع عرب از قماش در آورد ستسه خائن اسد باید بداند که بشریت شرقی هرگز این جنایت فجیعانه آنها را فراموش نخواهد کرد . آنها باید بداند که نه دیرپاسین دیروز و نه تل الزعتر امروز قادر است آینده تابناک را روی خلق فلسطین بیندرد .

پرچم خلق فلسطین انقلاب تا پیروزی است ، و روز پیروزی نیز چندان دور نمیباشد . روزیکه خلق قهرمان فلسطین پوزه کثیف امپریالیسم ، صهیونیسم و فاشیسم را بر خاک خواهد مالید و انتقام خون حماسه آفرینان تل الزعتر را از دشمنان آنها خواهد گرفت .

خلقهای صیمنان ایران نیز خاطره رزم جاودانه تل الزعتر را همیشه در دل خویش جای داده و دستاورد های گرانهای آنها را همتای مبارزات انقلابی خویش خواهد داد .

جزوه حاضر از جزوه تل الزعتر که بزبان آلمانی از طرف نمایندگی جبهه آزادیبخش فلسطین در بن انتشار یافت ، به فارسی برگردانده شده است . در این جزوه از جمله چند مقاله از خبرنگاران ، که در تل الزعتر بودند ، درج شده که در سطح خود وحشیگری جانبدان و فاشیستهای لبنانی و ارتش تجاوزگر سوری و همچنین استقامت و پایداری ساکنین قهرمان تل الزعتر را منعکس میکند .

در این جزوه همچنین نامه پرستار سوئدی او انشتال درج شد که با ازجان گذشتگی بی نظیری بخاطر همستگ بین المللی به تل الزعتر رفت و از جنبش انقلابی خلق فلسطین در عمل پشتیبانی نمود . ما سند حاضر را که گام کوچکی است جهت درس آموزی از بیگار پر عظمت و حماسه آفرین تل الزعتر در اختیار جنبش دانشجویی قرار میدهیم .

کمدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

فوریه ۱۹۷۷

پیشگفتار

ما فلسطینی‌ها حکومت سوریه را مسئول فاجعه خونین تل الزعتر میدانیم. حکومت سوریه از طریق دخالت ارتش خود در لبنان و بستن تمام راه‌های ارسال دارو، اغذیه و اسلحه به فلسطینی‌های تحت محاصره در تل الزعتر این امکان را به نیروها، مرتجع داد که در تل الزعتر به یک پیروزی استفهام آمیز خونینی نائل شوند. دولت سوریه بخاطر توجیه تجاوز به لبنان و حملات نظامی اش به نیروهای مترقی دلائل ارائه داد از این قبیل: "برای پایان دادن به خونریزی" و "حفاظت از اقلیت مورد خطر" و در حقیقت آنها به نیروهای افراطی دست راستی کمک کردند تا بتوانند علیرغم خواست مردم لبنان حمله‌های فاشیستی و حمله‌های جنایتکارانه را علیه لبنانیها و فلسطینیها را برانجام رسانند. سوریه بجای پایان دادن به خونریزی باعث شد که هرچه بیشتر خون لبنانیها، فلسطینیها و سوریه‌ایها ریخته شود. ما فلسطینی‌ها هر بار موافقت خود را بانام کوششهایی که بخاطر عقد قرارداد آتش بس و حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز میشد اعلام داشته و از آنها پشتیبانی کردیم. در حقیقت این حکومت سوریه بود که تمام آنها را بسا شکست مواجه ساخت.

ولی حکومت سوریه به هرج و مرج در لبنان احتیاج دارد تا بهانه ایجاد نظم در لبنان دخالت کند و سرانجام خاک لبنان را نصب کند. هدف سوریه این است که نیروهای مترقی لبنان و جنبش مقاومت فلسطین را تحت کنترل خود در آورد تا بدینوسیله بعنوان نیروی قوی در همکاری با آمریکا آنها را نقبه آنها را مبنی بر "حل مسئله" در تمام منطقه - خاورمیانه به تحقق در آورد. بدین ترتیب سوریه تحت رژیم اسد میتواند سرکردگی فدراسیونی مشکوک از سوریه، اردن و فلسطینی کوچک را که تحت سلطه سوریه باشد کسب کند.

سوریه بخاطر رسیدن باین هدف از ادای سهم خود در تصرف و حشمتناک تل الزعتر خودداری نکرد.

در غرب خبرنگارانی چند و کسانی دیگر بودند که حاضر نبودند جنایات محاصره تل الزعتر را که در مسعود فلسطینی‌ها مرتکب میشدند، مشاطه‌گری نمایند. ماتیسیرها، اظهارات آنها را در مورد آنچه که دیده‌اند و موضع گیریهای این اشخاص را که ترسیم کننده تراژدی تل الزعتر میباشد در این سند منعکس مینمائیم همچنین نامهای بدون تفسیری از اوا اشتال پرستار سوئدی را منتشر میکنیم.

اوا اشتال خود در اردوگاه تل الزعتر تا آخرین دقائق شاهد حملات میلیسهای ارتجاعی بوده و برداشت خود را در نامه‌اش توضیح میدهد. با وجود اینکه در اواخر اوضاع تل الزعتر امیدوار کننده نبود، تمام ساکنین تل الزعتر، مردم و مدافعین رزمنده مشترکاً تصمیم گرفتند که تا پایان مقاومت کنند و تسلیم نشوند. آنها بدینوسیله نشان دادند که خلق فلسطین هرگز دست از مبارزه عادلانه خود برنخواهند داشت و تنها جبهه آزاد بیخش فلسطین PLO است که بنام آنها سخن میگوید و عمل میکند و هیچ قدرت دیگری قادر نخواهد بود خواسته‌هایش را به فلسطینی‌ها تحمیل کند. خلق فلسطین متحداً تحت رهبری جبهه آزاد بیخش فلسطین علیه تمام کسانی که تلاش دارند در راه رهایی میهن اش فلسطین سدی ایجاد کنند با هم به مبارزه ادامه خواهد داد.

نماینده‌گی جبهه آزاد بیخش فلسطین در بسن

سخنرانی یاسر عرفات

صدر جبهه آزادیبخش فلسطین در يك کنفرانس مطبوعاتی بتاريخ
۱۷ اوت در مورد تل الریتر

در يك کنفرانس مطبوعاتی بتاريخ ۱۷ اوت در حوالی تل الریتر

باتوجه به ایستادگی شجاعانه هم‌زمان و برادران هم‌سلاح و همچنین مردمان فلسطینی ولبنانی در تل الریتر،
گفته لایقی برای بزرگداشت ۲۵۰۰ شهید و زخمیان بیشماری که در آنجا جان فدا کردند، پیدا نمیکنم .
من فقط میتوانم بگویم که مبارزه بخاطر تل الریتر يك پیروزی برای عزم انقلابی انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان
میشود .

از نقطه نظر نظامی امکان پذیر نبود از این انسانها تقاضا شود بیش از ۵۰ روز بجنگند در زمانیکه يك لیوان آب -
اهمیت يك لیوان خون را داشت .

مبارزه بخاطر تل الریتر مبارزهای بود حماسه‌آفرین که در آن روزندگان با نهایت استقامت شرکت کردند و از خلق
فلسطین ولبنان دفاع نمودند . من فقط میتوانم بگویم که عزم آهنین و حماسه آفرین تل الریتر بمبارزه انقلابی فلسطینی
ها ولبنانی ها حمایت، قدرت، نیرو و تجربه انقلابی که راه خلق مارا بسوی پیروزی روشن میسازد ، به ارضان آورد .
از آن هم بیشتر ، من به حال این انزواطلبان فاشیست تا سف میخورم که تصور میکنند با انتقامجویی از
شهیدان میتوانند به پیروزی نائل آیند و یا اینکه با این اقدام افتخاری نصیب خود کنند .

افتخار واقعی نصیب آن انسانهایی است که ۵۰ روز تمام در تحت شدیدترین حملات ، ضیق هر نوع مواد
غذایی و ککهای پزشکی پایداری نمودند . فاشیسم همیشه در تمام جهان محکوم به فناست . فاشیسم بسرای
يك مدت کوتاهی میتواند موفقیت داشته باشد ، ولی پیروزی نهایی از آن آزادی و دموکراسی است . پیروزی ما صلح
را در لبنان تضمین میکند ، هدفی که ما همچنان آنرا در نبردمان دنبال میکنیم . این صلحی است برای خلق
لبنان و فلسطین و همچنین وحدت دولت و خلق لبنان را تا همین میکند .

توطئههای روشنی وجود دارند که میخواهند دنیای عربی را بخصوص بکشند . اما این انسانهای پر قدرتی که ۵۰ روز
تمام استقامت نموده قادرند تمام توطئههای کسینجر و عمالشانرا خنثی کنند . آخرین حرف من این است که :
ما وحدت خود را تا پیروزی نهایی حفظ خواهم کرد .

گزارش

رهبر سیاسی و نظامی اردوگاه تل الزعتر

وسعت اردوگاه: دو کیلومتر مربع

جمعیت: ۴۰ هزار فلسطینی و لبنانی - اکثریت با اسطینی ها

موقعیت جغرافیایی اردوگاه: اردوگاه در يك محله صنعتی قرار دارد، ۸۰ درصد جمعیت در سنینی هستند که اندک کارکنند. اردوگاه در وسط محله‌های زیر قرار دارد:

محصوریه، مکایلز، الرواح، الوکوانه، مین ایلقل، هابیش، ثابت، قورن الثبک، الحسمیه. این محله‌های حلقه‌ای در تل الزعتر مسازند همه آنها در دست انزواطلبان (فلائیستها و...) میباشند.

در اردوگاه ۱۲ مدرسه ابتدائی و متوسطه و یک کودکستان یک بیمارستان فلسطینی حلال احمر و یک تیم پزشکی صام وجود دارد. در ۱۳/۴/۷۵ اولین کوشش برای محاصره نمودن این اردوگاه انجام شد. از این هنگام سه بار حلقه محاصره شکسته شده است تاجدیدترین مبارزات در اوت ۱۹۷۶.

شدیدترین مبارزات در ۲۳/۶/۷۶ شروع گردید و در ۱۲/۸/۱۹۷۶ اردوگاه متصرف شد. موقعیت نظامی اردوگاه:

دفاع اردوگاه بوسیله میلیسپانان می‌باشد. این میلیسپانان با اسلحه‌های سبک مسلح بودند استفاده از این اسلحه در اردوگاه‌ها تحت قراردادی انجام می‌یافت که یادوست لبنان بعد از حملات وسیع بمب افکنهای اسرائیلی بسته شده بود. قسمتهای جنگی انزواطلبان تشکیل شده بودند از چهارمرد، در میان آنها تعداد کثیری مزدوران خارجی بودند. آنها اسلحه‌های سبک و سنگین زرهی، توپهای سنگین توپخانه، موشک، اسلحه‌های سریع‌التشخیص در در اختیار داشتند.

موقعیت سیاسی اردوگاه: هدف حملات سوریه در لبنان بخاطر جلوگیری از مقاومت فلسطینی ها و نیروهای مترقی

لبنان و همچنین برای جلوگیری از حمله نیروهای فلسطینی و مترقی لبنان بر علیه انزواطلبان بخاطر تسهیل مبارزات در تل الزعتر به نفع انزواطلبان بود.

در همین زمان ایزولا زینبستان توانستند نیروهایشان را در زیر سایه پشتیبانی کرد آنها سوریه بر روی تل الزعتر متمرکز کنند. پشتیبانی نظامی اسرائیل تضمین تهاجم و موفقیت فلائیستها و پایان کار آنها بود و خیلی از بمب‌هائیکه بر روی تل الزعتر انداخته شد اسرائیلی بودند.

بیان مبارزات: حدود ۶ هزار موشک و تیر در مدت محاصره بر روی تل الزعتر فرود آمد. در آخرین هجوم

بر روی اردوگاه ۳۰۰ نفر قربانی شدند و ۶۰۰۰ نفر زخمی شدند، ۳۵۰ نفر از آنها رزمندگان بودند. انزواطلبان ۱۵۰ کشته دادند، اینها کسانی بودند که مستقیماً در این مبارزه شرکت داشتند. آنها همچنین در زیر حملات متقابل نیروهای مقاومت در کوههای اطراف بیروت تعداد زیادی کشته و زخمی دادند. بعد از اینکه اردوگاه متصرف نشد، رزمندگان توانستند با اسلحه‌هایشان عقب نشینی کنند. آنها موفق گردیدند که خط جنگی ایزولا زینبستان را بشکنند، ۸ درصد از رزمندگان بدون زخم از این خط خارج شدند. با آنها توانستند تعداد زیادی افراد غیرنظامی از مهلکه خارج شوند.

موقعیت نامی اردوگاه: در ابتدای مبارزه وسائل زندگی کمیاب بود. در نزدیکی تل الزعتر اما یک انبار پرازدس

به غنیمت گرفته شد و این بعنوان تنها ماده غذایی تا آخر اردوگاه باقی ماند. آب با کمک ماشینهای دیزل از سه جبهه پمپ میشد. بعلت کمبود سیگار از گیاه سیگار پیچیده میشد. روشنائی بوسیله شمعهای که از انبار به غنیمت برده شده بود تا همین میشد. زیر زمینها بعنوان پناهگاه در مقابل آتش توپخانه دشمن مورد استفاده قرار میگرفتند و بعلت انتشار دائمی توپخانه دشمن ایجاد پناهگاه‌های واقعی میسر نبود.

بخاطر ککهای طی سبب برای مجروحین ساکنین دوره‌های کوتاه ککهای اولیه میدیدند. مسئولین طبابت با مشکلات زیادی روبرو بودند که بخاطر کمبود وسایل زخمبندی و خون بود. برای ضد عفونی از آب و نمک استفاده میشد.

انتقال خون برای زخمیهامیابست فوراً انجام شود چون سردخانه برای نگهداری آن موجود نبود. بجای باند های زخم بندی ار پارچه های پلاستیکی استفاده میگردد.

تشکیلات سازمان اردوگاه: برای رهبری مبارزه، ساکنین به طرق مختلف متحد همکاری میکردند. گروه های جنگنده، گروه های نا مین وادادی جبهه، گروه های حمل و نقل زخمیها و مسئولین کشته شدگان بوجود آمده بودند. بخشی از معلمین در جنگ شرکت داشتند و بخشی دیگر از آنان ما همو بمسج سیاسی ساکنین اردوگاه و برقراری مخابرات با مرکز فرماندهی شدند. دانشجویان معمولاً در گروه های جنگنده مشغول جنگ بودند.

نقش زنان: بخشی از زنان عهده دار امور طب و بخشی دیگر از آنها مخصوصاً زنان جوان در گروه های نبرد می جنگیدند و زنان سالفند مسئول تهیه غذا بودند. هدف اصلی رهبری سیاسی و نظامی اردوگاه ادامه مبارزه دلاورانه بود و تسلیم نشدن در مقابل دشمن.

بعثت کمبود نفت و مواد سوختی از چوب های در و پنجره برای رفع احتیاجات اهالی استفاده میگردد. زخمی ها بعد از معالجه مجدداً به خط جبهه باز میگشتند و تعداد زیادی باجراحات بی دربی بمبارزه ادامه میدادند. مهمات مورد احتیاج از طریق عملیات جنگی وسیع از دشمن به غنیمت گرفته میشد. تعداد زیادی از جوانان بعد از بخاک سپردن بستگان کشته شدشان دوباره بمبارزه ادامه میدادند و این امر باعث نمیشد که نجات شوند.

انتقال افراد شخصی ساکن اردوگاه: باصلیب سرخ و نیروهای صلح قراردادی بسته شد که در ظهر روز ۱۳/۸/۷۶ زخمیانی که حالشان وخیم بود منتقل شوند. این قرارداد بوسیله انزو اطلبان شکسته شد. در سحرگاه ۱۳/۸/۷۶ - آنها با افراد غیر نظامی حمله کردند و تعداد زیادی را در زیر شکنجه کشتند و با تیرباران کردند و تا امروز از عده زیادی هیچ اطلاعی در دست نیست.

پایه‌اری قهرمانانه در تل الزعتر

تل الزعتر قهرمانانه استقامت نمود و در مبارزه افتخار بدست آورد. او برای ماه‌ها پیش قراول انقلاب خواهد ماند. قربانی دادن و مقاومت فرزندان پاک او، تل الزعتر را مسئله بین‌المللی تبدیل کرد.

وجدان جهانی بمسائل تل الزعتر جلب شده بمسائل انقلاب فلسطین و خلق فلسطین. دنیا از تل الزعتر يك قهرمانی پرافتخار دید در راه مبارزه بر علیه مزدورهای فاشیسم اموخت. توطئه چینان، خائنان ملت عرب، نیروهای فاشیستی و جانبیان جنگی همگی باهم امروزه در ده‌ادگاه تاریخ نشسته‌اند. يك روز هم دست پر قدرت حقیقت یقه آنها را خواهد گرفت و آنان را بسزای اعمالشان خواهد رسانید.

تل الزعتر این مظهر انقلاب، انسانیت و جهان دوستی، نه ازین خواهد رفت و نه فراموش خواهد شد. تل الزعتر، تا آخرین حد نیرو و آخرین تکه نان استقامت نمود و لذا بیشتر از تمام توطئه‌چینان و فاشیست‌ها که آخرهم به حيله دست آوردند تا به‌ارادگاه هجوم آورند بیشتر یاری نشان داد. فاشیست‌ها از پیشنهاد اتحادیه عربی مبنی بر تخلیه ساکنین اردوگاه استفاده نمود تا رگبار مسلسل را بر روی پیران، زنان و کودکان بازکنند. در همین لحظه در میدان در میدان جنگ انزواطلبان سه افسر عرب ما مور مراقبت قتل و عام فجیعانه انسانهایی که مظهر ایستادگی، قهرمانی، از جانگذشتگی بودند، انسانهایی پاک که ملت عرب تاکنون بخود ندیده بود.

خلق ما در تل الزعتر تا آخرین گلوله، تا آخرین ذره نان، تا آخرین قطره آب با دادن قربانی چنان استقامتی از خود نشان می‌دهد که توطئه‌چینان رنگارنگ هرگز قادر بآن نخواهند بود. ملت عرب و یاران آن نباید هیچگاه فراموش کنند که خون تل الزعتر بر دستهای خائنان عرب خشک شده است. آنها تمام اصول و قراردادها را زیر پا گذاشتند تا بلکه بتوانند نقطه‌های امپریالیستی را بر علیه انقلاب فلسطین پیاده کنند از روی نعش مردان، زنان و کودکان فلسطینی بمردم ما و به جنبش ما شرایط خفت بار شکست را تحمیل کنند.

باین دلیل جنبش آزاد بیخس فلسطین مانند همیشه تاکید میکند که او در آینده نیز در برابر آن توطئه‌های آمریکائی صهیونیستی مقاومت خواهد نمود که بوسیله عاملین امپریالیست‌ها در منطقه غربی پیاده خواهد شد.

سوگند بر تمام شهدا، که این انقلاب در آینده نیز پرچم فلسطین را از محلی به محل دیگر، از مبارزی به مبارز دیگر، از شهیدی به شهید دیگر خواهد داد تا خلق ما پیروز شود. تل الزعتر بزرگترین پیروزی انقلاب فلسطین است و ننگین ترین شکست توطئه‌چینان، خائنان و جاسوسان.

اطلاعات بنگاه خبرگزاری

اطلاعات خبرگزاری "وفا" در باره مقاومت در فلسطین اشغالی

بعد از سقوط تل الزعتر در فلسطین اشغالی و بویژه در سواحل غربی اردن و نوار غزه اعلامیه‌هایی پخش شد که خلق را برای تهیه و پخش اوراق دست‌خطی با شعارهای: "خلق فلسطین از بین نخواهد رفت، فرا میخوانند. سازمانهای خلق میدان حسین در نابلس و میدان اسد در تول‌بارم را به میدان تل الزعتر تعویض نموده‌اند. اردوگاه‌های مختلف فلسطینی در سواحل غربی اردن اکنون تل الزعتر نامیده میشوند.

در روز ۲۱ اوت -روز فلسطین- در فلسطین اشغالی تظاهرات متعددی برگزار گردیدند. در این تظاهرات خلق فلسطین عزم راسخ خود را برای ادامه مقاومت بطور بارزی نمایان کرد. تعداد زیادی در این تظاهرات دستگیر شدند.

کشتار تل الرعتر: یک برگ جدید از بربریت فاشیستی باهدستی

س - و - ه

آنچه در یوز در تل الرعتر گذشت، تازه امروز بخوبی روشن شده است. اکنون نمایان است که تنها در مدت ۱۸ ساعت از طرف محاصره کنندگان در حدود ۳۰۰۰ غیرنظامی فلسطینی بی سلاح و دفاع کشته شده اند یعنی بیشتر از آنچه در زمان محاصره ۵۲ روزه شهید شده اند. فاشیستها به سرنشینان اردوگاه بوسیله بلندگو اعلام کردند که قرار است که مبنی به ترک محاصره بسته شده و مردم میتوانند اردوگاه را ترک کنند. آنها بدین وسیله مردم را گول زدند و بار و گاه آمدند صد ها نفر از مردان، زنان و کودکان را قصابی کردند. بعد از حمله محاصره کنندگان که مدافعین درک کردند چه اتفاقی افتاده، جنگ طولانی شروع شد و تا هنگام شب طول کشید هنگامیکه محاصره کنندگان بار و گاه وارد شدند و خمپاره ها شروع به انفجار کردند مردم غیرنظامی کوشش کردند و باره به پناهگاه بزرگترند با وجود این فاشیستها بآنها حمله بردند و آنها را جدا نمودند. به لبنانها اجازه دادند که بروند همچنین بعد از آنکه پیران، زنان و کودکان فلسطینی را چاپیدند به آنها اجازه حرکت به طرف غرب بیروت را دادند. در مقابل مردان بین ۱۵ تا ۵۰ سال را دستگیر کرده و آنها را بطور سیستماتیک به قتل رساندند.

بسیاری از کسانی که از کشتار دسته جمعی اولی جان سالم بدر برده بودند، بعد از بدین راه بسوی غرب بیروت به وسیله پستهای کنترل گرفتار شده و از زمین برده شدند. آن غیرنظامیانی که بعد از حمله اول در منطقه اردوگاه باقی مانده بودند از منازل خویش بیرون آورده شده و در خیابان تیرباران شدند. اجساد صدها زن و بچه کشته شده در اطراف پراکنده شده بودند، آنچه که حداقل چندین خبرنگار خارجی با چشم خویش میتوانستند ببینند محاصره کنندگان بسا غرور به خبرنگاران اعلام کردند که این انسانها در یوز کشته شدند. مردان را نیز جدا نموده و همانطور تیرباران کردند خبرنگاران نمیتوانستند اجساد مردانی را ببینند که در گوشه ای از اردوگاه روی هم انباشته شده بودند.

حداقل دو هزار نعش در خیابانها افتاده بودند. در حدود ۱۰۰۰ انسان دیگر خارج از اردوگاه قتل و عام شده بودند. در یوز ۳۰۰۰ انسان، همه غیرنظامی بی سلاح کشته شدند زیرا که تمام مجاهدین در یوز و در شب قبل از آن به آخرین نقطه اردوگاه و یا به کوهها رفته بودند. در تمام مدت زمان محاصره ۵۶ روزه صدها نفر از زمین رفتند کسه تعداد دقیق آنها را نمیتوان تعیین کرد. ولی تعداد کشته شدگان کمتر از ۲۰۰۰ نفر نمیبانند.

آنچه در یوز در تل الرعتر اتفاق افتاد، مسلماً اولین آکسیون کشتار دسته جمعی محاصره کنندگان نبود. در اردوگاه دیابیه در محلات کرانتینا، صلخ، قاورنه و کمتر از شش هفته پیش در جشیر البشاء انزواطلبان، همانطور وحشیانه رفتار کردند. تفاوت تنها در وسعت جنایت است. در تمام زمان جنگ لبنان در یک روز این تعداد انسان کشته نشده بودند. هرگز بربریت به چنین وسعت انجام نگرفت و هرگز محاصره کنندگان اینطور بیشرمانه به جنایات خویش مفرور نبودند.

اما این انتظار میرفت که عناصر فاشیستی در فرصت مناسب این چنین رفتار کنند. لذا رهبری فلسطینیها در بستن قراردادی در مورد مهاجرت مجروحین و افراد غیرنظامی کوشش میکرد. ولی محاصره کنندگان مانند سگان هار بودند و نمیگذاشتند دهانه ای بر آنها زده شود. تنها قدرتی در جهان که ممکن بود بر آنها تاءثیر گذارد و بآنها قوت قلب میداد سرهنگ علی العدانی و افسران دیگر سوریه ای را برای مراقبت از یک کردن مسئله تل الرعتر بزد آنها فرستاد.

مسئولیت حوادث در یوز در تل الرعتر، مسئولیت کشتار بیش از ۳۰۰۰ نفر غیرنظامی بیگناه و مسئول کشتار ۲۰۰۰- انسان دیگر در هفته های گذشته بر شانه آن مردانی در دمشق سنگینی میکند که از کشتار در تل الرعتر میتوانستند جلوگیری کنند و برعکس با عناصر فاشیستی همدست شده و بر آنها مهیج زدند تا آن جنایاتی انجام گیرد که در عرض ۱۶ ماه گذشته بچشم خویش دیدند. احزاب فاشیستی در لبنان در چندین کشتار مشابه نشان دادند که چیز دیگری نیستند، بغیر از جانیان جنگی و دیوانگانه بیچشم و رو. رژیم سوریه که نمیتوانست آنها را کنترل کند و تا اندازهای نیز کنترل میکند. دست آنان را در کشتار زنان مردان کودکان فلسطینی بازگذاشت. این رژیم لذا مقصر اصلی مرگ این شهیدا است و میبایستی یکروز کفاره این جنایات را پس بدهد.

"آنهايي که قتل و عام غم‌انگيز کوني مردم فلسطين و رزمندگان اردوگاههارا (که انسان بايد به شجاعت آنها معترف باشد و آن راستايش کند) دليلی برای جشن گرفتن ميانند، فراموش ميکنند که نمیتوان سرنوشت خلصو مبارزی را در عشق بوطنش، از طريق نظامی تعبير کرد و بخاطر چند ضربه نظامی که آن وارد شده بخواست او را بايان یافته تلقی نمود....."

کوه تی میانس (تل الزعتو) از دگر م. لاریویر، پروفیسور دانشگاه پاریس ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۶

سال گذشته من در " اردوگاه فله تی میان " بودم چیزی که بیانگر آنست چراس سقوط و نابودی آنرا اینقدر در آورا احساس میکنم، من در آنجا با مردان، زنان و بچه‌های آشنا شدم بدون اینکه در باره تعلقات مذهبی آنها سئوالی کرده باشم. دین و مذهب يك احساس شخصی یا سنت فامیلی بود ولی هرگز شرط همکاری یا پیوستگی یا هم در گروهی نموده. زندگی بر اساس اصول دموکراتیک برقرار بود. دشمن امپریالیسم و صهیونیسم و یادوت اشغالگر اسرائیل بود ولی جهود هرگز دشمن محسوب نمیشد. جبهه آزاد بیخشن فلسطین PLO از طریق طرح مرکزی اتحادیه زنان، اتحادیه کارگران و غیره با کوشش و بردباری زیاد سیاست تعلیم و تربیت، آزادی زسان و تحولات اجتماعی را به پیش میرد.

حلال احمد یک وزارت بهداشت و سلامتی معنی واقعی حرکت رشد یابنده‌ای را برای تعلیم و تربیت مرد کاران اوظلب در امور بهداشتی و حمایت از خانواده‌ها و ترویج و تبلیغ احساس مسئولیت برای بهبود و نظافت محیط زیست، بوجود آورد. مرتجعین تلاش داشتند تمام موفقیت را از دیدگان جهان پنهان دارند. اگر نظری به تکامل تاریخی مسئله لبنان بیند ازیم میبینیم که همه توافق میکنند مسئولیت این اختلافات را بگردن فلسطینی‌ها ببند ازند. بدون شک اعتباری که جنبش مقاومت فلسطین از آن برخوردار بود عامل تسریع کننده‌ای برای جنبش سرری لبنان بود. وحشت مرتجعین عرب از گسترش مقاومت و افکار شرقی به توده‌های عرب، بیانگر علل سرسختی و سوام-فریبهای رژیمهای محافظه کار عرب است.

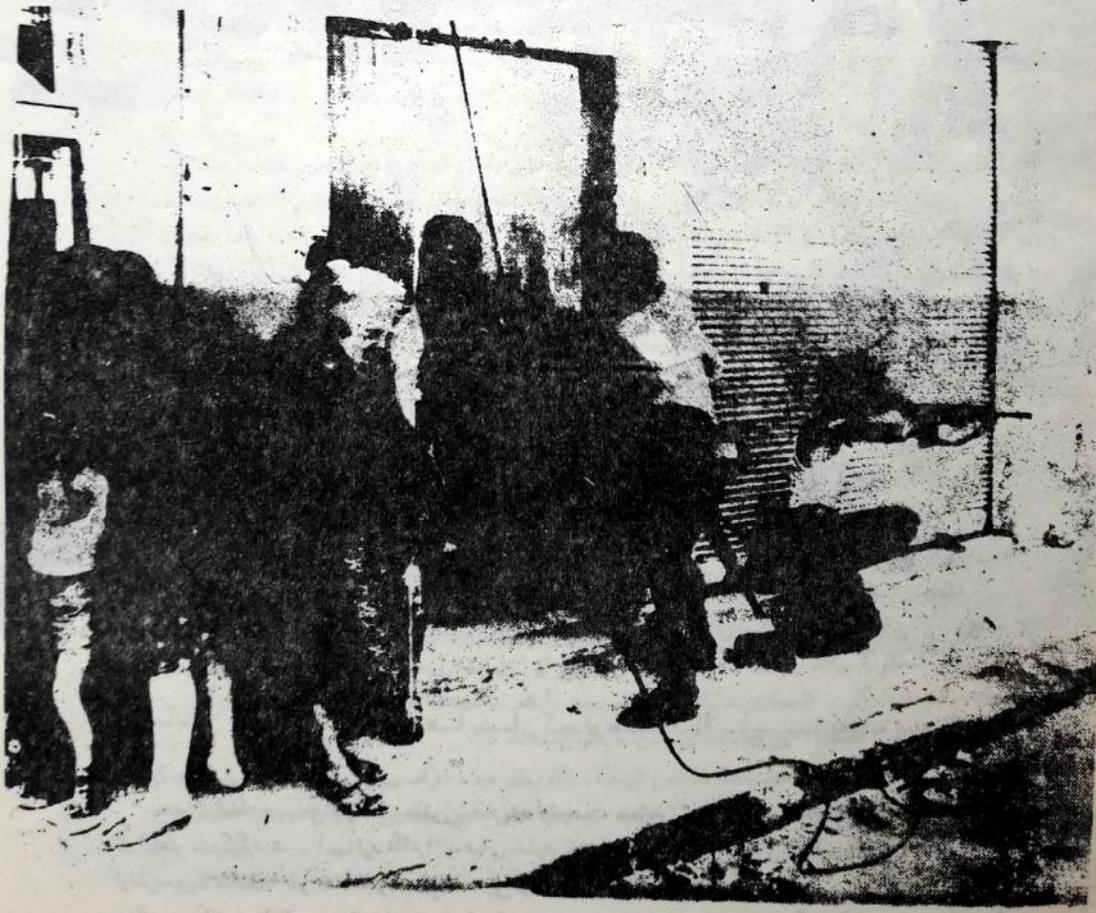
در اردوگاه‌های آوارگان همه چه فلسطینی‌ها و چه لبنانیهای فقیر از کمکهای پزشکی مجانی برخوردارند در حالیکه پزشکهای "لیبرال" بیروت برای کسانی که پول دارند هستند حق استفاده از پزشک و دارو و سایر وسائل بهداشتی را فاکتند. اغلب این ادعا شده که ارتش آزاد بیخشن فلسطین به استقلال و حاکمیت لبنان لطمه وارد کرده است. ولی آیدار مقابل تجاوزات مکرر اسرائیل به جنوب لبنان کدام وقت ارتش فرانسوی، میلیس‌های شمعون و فلانژیستهای جمایلر بیوظیفه خود عمل کردند؟

این فدائیان فلسطینی و مردم غیر نظامی لبنان بودند که در ژانویه ۱۹۷۵ در کفا - شویا از روستای خود در مقابل تهاجم ارتش اسرائیل دفاع کردند.

انقلاب فلسطینی حامل هسته آزادی خلق است و از اینرو با اصطلاح همبستگی بعضی حکومتهای عربی با این انقلاب تعجب مکرر م تا اینکه بالاخره زمان آن رسد که ماسکهای این اتحاد و جبهه‌های واقعی نمایان شوند.

۲۵ و ۲۶ بولی :

رنارد لیست هارد خبرنگار AFP شرح میدهد که چگونه صلیب سرخ کوشش میکند به اردوگاه نزدیک شود در ابتدا ای ورود به منطقه اردوگاه نمایندگان صلیب سرخ در اتوموبیلهایی که با پرچم صلیب سرخ مشخص شده بود ، حرکت میکردند متوجه شدند که نمیتوانند به راهپوش ادامه دهند چون راه پر از سنگ بود ، بعد از اینکه آنها لحظهای مکث نمودند توانستند هدفه بین اردوگاه را با پرچم احمر فلسطین مشاهده کنند . چند جله کوتاه بعد آنان رد و بدل شد . برای اولین بار بود که یک سازمان بشردوستان میتواند شرایط ناهنجار زندگی مردم اردوگاه را از نزدیک مشاهده کند . در جایی که همور ، ۱ هزار نفر زندگی میکردند بیش از هزار نفر از آنان زخمی و مجروح بودند و از ابتدای ترین شرایط زندگی محروم . آتش بس طولانی نبود . اندکی از حرکت اتومبیل صلیب سرخ نگه داشته بود که تیراندازی دوباره شروع شد و چند شیشه پنجرهای که هنوز شکسته نشده بود ، درهم ریخته شد . نماینده صلیب سرخ بین الطلی گفت : هر روز کودکان در اردوگاه می میرند . شما میدانید که گزار چیست . ساد و ساعت وقت لازم داریم . ما نمیخواهیم مجروحین را به خطر بیاندازیم که حمل و نقل آنها چند روز طول میکشد . نماینده صلیب سرخ دوباره گزارش داد و گفت که کودکانی را دیده است که بگی از برای دریافت داده بودند .



عنوان مقاله: يك استالين گراد در لبنان

دو بیامرستان صحرایی زیرزمینی مملو از ۵۰۰ مجروح و ۲۰۰ تا ۳۰۰ کشته میباشند. بیش از هزار مجروح در زیرزمین های همجوار بستری هستند، زندگی در اینجا تبدیل به شرایط جهنمی شده است. خبرنگار سوئدی آندرس هاسل بوم با جنین جهنمی رابطه تلفنی داشت. او در مرکز فرماندهی سازمان آزادیبخش فلسطین در بیروت غری که بنوسط مسلحین وچپ ها کنترل میشد، نشست بود. هموطن اش او را اشتال از محل تل الزعتر در گوشه شمال شرقی پایتخت لبنان که ماهها بود توسط چریک های صیحی محاصره شده بود، با او صحبت کرد. طنین انفجارات صدای آنها را تحت الشعاع قرار میداد. او اشتال با وجود اینکه يك دستش به علت انفجار خمپاره قطع شده و بوسیله برانکار به محل دستگاه مخابرات آورده شده بود، حالت عادی صدای خوشی را حفظ میکرد. شوهر او، یوسف حمد فلسطینی در تل الزعتر شهید شده است.



مادران فلسطینی با بچه ها یشان که از طرف فالانژیستها کشته شده اند

بعد از اینکه جبهه ها در لبنان معین شده بودند و حمله سوریه با رسمی را آسان نمود، آنها حملات خوشترابه تل الزعتر متحرک کردند. آنها اردوکار اردنیای خارج جدا نمودند و باتوپ های سنگین آنجا را بمباران میکردند. اگر ارتش سوریه مستقیماً در حمله شرکت نکرد، ولی گردان ۲۳۴ آن جلوی نیروی فلسطینی ها را گرفت که میخواستند به محاصرین کمک برسانند. معاون عرفات ابویجاد (Abu Idjad) با عصیانیت گفت: «ما بریزید نت اسد را شخصاً برای آنچه در تل الزعتر اتفاق می افتد مسئول میدانیم». ناهنجاری باندازه کافیست.

چریک های صبحی در عرض ۲۴ ساعت چهل هزار نفر بسوی اردوگاه خالی کردند . يك ساختمان مخروبه چندین صد انسان را در زیر خود مدفون کرد که در زیر زمین آن پناه جسته بودند . تنها دو کتف مسلط مراقبت پزشکی از ۱۰ تا ۳۰ هزار انسان درین اردوگاه هستند . دو سوختی اکتنا زلزلی و لارس اسجسین ۴۴ سلخته کار میکردند . بجای وسایل ضد عفونی نیک در اختیار آنهاست .

صلیب سرخ کشیدند . اقل مجروحین سخت و گشته شدندگان را از اردوگاه بیرون بیاورد . تا آخر هفته مرتباً صدای تیر و جفاست و قتی که کامیون یا قطار ماشینی بعد از طول و قرار فراوان آنش پس بحرکت در میآید و این اقدام میبایست قطع شود . او اشتال پرستار میتوانست تا کتون چندین بار تل الکترو راتوک گوید . ولی تا زمانی که سالم بود نخواست دیگران را در ضیقه بگذارد . هفته گذشته او کودک خویش را در طی يك زایمان نوس از دست داد .

خبرگزاری مطبوعاتی آلمان

بیرت ۵ اوت ۷۶

دو دختر جوان با اونیفورم صلیب سرخ با راسی و با احتیاط از درین درجه زیر زمینی به بیرون می خزند . هر يك از آنها بسته کیف و خوبی از کان و نوارهای مخصص بانسمان و زخم بندی در دست دارند . مجروحین ، نوزاد های سه ماهه که در جاهائی از این راهروهای زیر زمینی بدنیا آمده بودند و مادرشان کشته شده بودند ، مشاهده میشوند .

شاهد عینی دیگری گزارش میدهد : سپس زنی که یکی از قهرمانان انقلاب فلسطین است سر رسید . پرستار سویدی ۳۰ ساله او را اشتال او از روی برانگازر بادست چش حلمات ۷ یعنی پیروزی رانسان میدهد . (پهری اول کلمه شکوری یعنی پیروزی است - مترجم) دست راستش از کار افتاده است . از ناحیه پاها بشدت مجروح گشته است . شوهر فلسطینی اش چهار ماه پیش شهید گشته است . او دو هفته پیش يك زایمان زود رس را پشت سر گذاشته است . ه کودک بر روی دستها حمل می گردند ، چهارشان در زیر پنبه و مانند سفید پوشیده است . يك دیگر می گوید " سوختگی شدیده " . سه پس بچه و چهار دختر بر روی دوش افراد بهداشتی حمل میشوند ، اسکت هایی که از گرسنگی و تشنگی خشک شده اند .

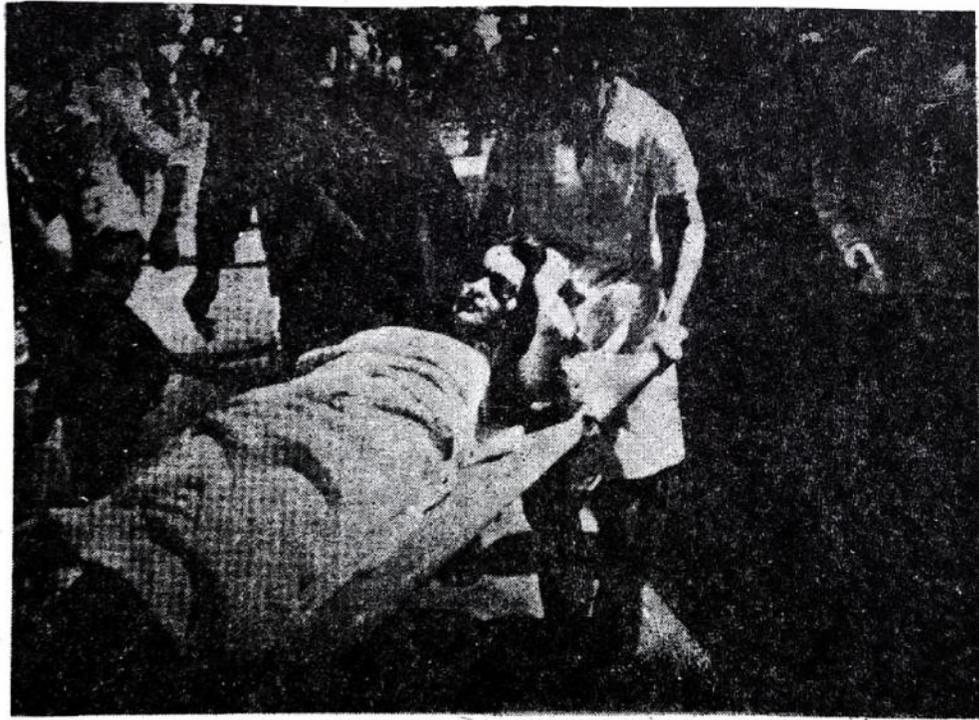
لوسین ژورژ (خبرنگار لوموند در بیرت) ۱۴ اوت

میلیس های محافظه کار اثما در بین اهالی اردوگاه که در محل تجمع گرد آمده بودند ، عملیات جد اکردن راه به پیش میبردند . فلسطینی ها از لبنانها جدا شده و اجازه رفتن داشتند . سپس مردان فلسطین ، بین ۱۴ تا ۶۰ ساله در يك ردیف قرار میگرفتند . زنان ، کودکان و سالخوردهگان در طرف دیگر . در این لحظه با احتمال قوی اعدام اینان انجام پذیرفته . گفته های بازماندگان همگی از " تیراندازی میلیس هابرو روی توده های فلسطینی " حکایت میکند . عده ای میگویند فلسطینی ها را به اتوسیل بسته و آنقدر میکشیدند تا میزدند . هفت پرستار در اردوگاه کشته شدند . احتمالاً این صحنه ها چندین بار تکرار گشته اند .

این امکان وجود دارد (البته نه فقط بگفته ساکنین اردوگاه بلکه بطور عده افراد بیطرفی که امکان حضور در محل مرکز را داشتند) که تعداد زیادی از این اعدامها نه در محل های عمومی بلکه در خیابان نزدیک خط مرزی اتش پس ، انجام می یافتند .

اوا اشتال مینوسد. چرا او در تل الزعتر مانده است؟

بسیاری از انسانهایی که خوانده اند، چگونه فاشیستهای لبنانی با برحورداری از پشتیبانی ارتش سوریه وحشیانه برای نابودی اهالی تل الزعتر حمله کرده اند، از خود سؤال میکنند: چگونه انسان قادر است تا این حد تحمل داشته باشد، چه مدت یک انسان میتواند تحمل کند، چه چیزی این نیرو را باو میدهد؟*
من شخصا مورد سؤال قرار گرفته ام که چرا در آنجا مانده ام، یک جواب کامل باین سؤال میتوانست کتاب قطوری را



اوا اشتال، پرستار ۳۰ ساله سوئدی که برای کمک به خلق فلسطین به فلسطین رفتن است. او دست راستش را از دست داده و از ناحیه پاها بشدت مجروح گشته است. شوهر او که فلسطینی است چهار ماه پیش شهید شده. او دو هفته پیش بجهانش را در هنگام زایمان از دست داد.



که حاوی تاریخ فلسطین، داستان تل العتر و تاثیرات من از روز اول ورودم به لبنان را دربرگیرد، بپرکد. من در اینجا کوشش خواهم کرد فقط قسمتی از این دلایل را بروی کفند بیاورم.

من نخستین بار در سامبر ۷۴ از تل العتر دیدن کرده‌ام و در آنجا با واقعیتی روبرو شدم که آنرا هرگز امکان پذیر نمی‌پنداشتم.

من اینطور فکر میکردم خلقی که خارج از سرزمین آبا و اجدادش و در تحت آنچنان شرایط طاقت فرسای حاکم بر اردوگاه زندگی میکند، بایستی در حقیقت خسته، غمگین و شکسته باشد. برعکس من مقنون و مغلوب همبستگی، غرور، نیرو و خوشبینی که در آنجا یافتیم، گشتم. از همان روز نخست مورد حمایت کامل قرار گرفتم و پدر و مادر، خواهران و برادران جدیدی یافتیم. من هم یکی از آنان شدم. در کارم بعنوان پرستار بیمارستان در کلینیک جبهه خلق با مشکلاتی که نتیجه کمبود وسائل بهداشتی بودند، روبرو گشتم. برعکس ملاحظات پزشکی حاکم بر لبنان که بر اساس چاپیدن و خالی کردن تاحد ممکن جیب فلسطینی‌ها، لبنانی‌ها و سوریه‌ای‌ها و مردم بی‌بضاعتی که در تل العتر سکونت دارند، کلینیک ما اهداف انسانی یعنی کمک‌های علمی و حقیقی در پیش داشت. برای پرستار بیمارستان چنین امری دارای محتوی و اهمیت عظیمی است. از طریق کار در بیمارستان با یوسف آشنا گشتم که بعدها با او ازدواج کردم. او بهترین انسانیت که من تاکنون دیده‌ام. از آنجا که او در تل العتر بدنیآ آمده و در آنجا بزرگ شده بود من با آشنایان و دوستان بسیاری از او آشنا گشتم و باین ترتیب امکانات بسیاری یافتیم که از زبان خود فلسطینی‌ها در مورد زندگیشان بشنوم و با موضعشان در قبال آزادی فلسطین آشنا شوم. من درک کردم که انقلابیون در سازمانهای آزاد ییخش تنها نیستند بلکه در هرخانه‌ای اراده، خواست، شجاعت و نیروی لایزالی برای بازپس گرفتن وطن، نهفته است. من درک کردم که جنگ آزاد ییخش قربانسی میطلبد. اما این قربانیا عزم بازماندگان را راسخ تر مینماید. ما اندوهگین شهیدایمان بودیم اما هرگز نمیگذاشتیم که کوچک و حقیر گرفته شویم. یوسف و من تصمیم باززدواج گرفتیم. من برای مدتی به سوئد مراجعت کردم و در ژوئن ۱۹۷۵ به تل العتر بازگشتم. آن زمان جنگ تازه آغازگشته بود.

در طی سال بعد شاهد رشد و تقویت مبارزه برای ایجاد لبنانی دموکراتیک و آزاد بودم و همچنین بخوبی میدیدم که چه روش‌هایی رافاشیست‌های لبنانی بکار میگیرند و تلاش دارند باتمام وسائل ممکن نیروهای مترقی لبنانی و جبهه آزاد ییخش فلسطین را نابود کنند. در این زمان نیروی من برای مبارزه بخاطر آزادی و عدالت تقویت میشد و دوستان بیشتری هم مییافتیم که این هدف را داشتند. آیا میتوانستم در اینصورت همسر فلسطینی‌ام را رها کنم. آیا میتوانستم دوستانم را در بیمارستان ترک کنم و برای زندگی مرفح و آسوده بسوئد بازگردم؟ آیا میتوانستم خانواده‌ام، خواهرانم، برادرانم را که دوست داشتن را از آنان آموختم و بمن جایی در خانواده‌شان داده بودند، رها کنم؟ من این سؤال را از شما میگویم.

زنده باد مبارزه انقلابی خلق فلسطین و لبنان زنده باد انقلاب فلسطین

آزادی (از ج. پ. ژانه) لوموند ۱۵ ژوئن

..... در روز در تل العتر مرد بین چهارده و شصت ساله بودن خوب نبود، همانطور که در ۱۹۴۳ در گسو و رشو بیهودی بودن خوب نبود. در مقابل در خروجی اردوگاه مانند در خروجی گسوکامیونها منتظر بودند و کسانیکه سوار میشدند زنده بر نمیگشتند! قل و هام کسانیکه در ویرانه تریسن اردوگاه در محاصره قرار داشتند و امروزه میدانند که تنهایی چه مفهومی دارد. بیکه تنها در مقابل دشمنان فالانژیست، بیکه تنها در مقابل دیدگان خیره برادران عرشان که از اردن تا سوریه زمینه نابودی فیزیکی ویا سیاسی آنها را فراهم میکنند و باز هم یکبار دیگر جنایات خود را ثابت کرده‌اند و همچنین تنها در مقابل دنیایی که صرفنظر از چند احساسات خوب و کمکهای انسانی که از جوانی شد، ترجیح داد سکوت کند و اسلحه بفروشد.



'They're Syrian troops in Russian tanks, entering Lebanon to rescue the Christians from the Muslims—and don't ask me to repeat that!'

Newweek, June 21, 1976

Mit der Erlaubnis von Israel, könnten wir hinzufügen!

ایشها سربازان سوریه‌ای در تانکهای روسی هستند که به لبنان آمده‌اند تا کاتولیکها را از دست مسلمانان نجات دهند سو از من نیوس که اینرا یکبار دیگر تکرار کنم!

بعد از سقوط تل الزعتر: صحنه‌های وحشت
ایکراویر براون از خبرگزاری A F فرانسه مینویسد:

۱۰ و ۱۱ اگوست

دو بولک ژنر بزرگ نعش‌های کشته شده‌گان را از خرابیهای تل الزعتر بیرون می‌برند. حقی در دروازه شمالی اردوگاه یک صحنه وحشتناک نیز موجود است و اسان می‌بایست صورت خویش را بیوشانند، بعلت بوی مرگ که در حیایانها سرگردان است. چند و چندین نعش این منطقه را بر کرده است. امکان شمارش آنان نیست. انسان می‌بایست از منزلی به منزل دیگر برود تا بتواند در زیر خرابیهای دیوارها مردان، زنان و کودکانی را بشمارد که از پای در افتاده‌اند.

خبرنگار مخصوص روزنامه ایتالیائی LASTAMPA مینویسد...

من در محل چندین نعش دیدم که متعلق به انسانهای بودند که در جنگ کشته نشده بودند بلکه بوسیله خالی کردن تیر به ممبران از پای در آمده بودند. من اظهارات مستقیم فامیل قربانیان را جمع کردم که تأیید میکنند، اسیران را از کامیون پیاده کرده و تیرباران میکنند. چیزهایی وجود دارند که ما درباره آنها هرگز صحبت نمیکنیم، چه که جنایات غیر انسانی نازیسم جای خود را در این نوازدی پیدا کرده‌اند. ما دیدیم که چگونه یک فولکس واگن و یک فورد اجساد فلسطینی‌ها را در خیابان‌ها به نیال خویش میکشیدند. در اشرفیه چند تن از زنان یک کامیون را نگاه داشتند و گفتند: "پسران ما را کشتند. این مردان نیز می‌بایست کشته شوند" هر یک‌های مسیحی در همان محل انتقام گرفتند. در اشرفیه یکی از مردوران یک بچه شیر خواره را در دست پدرش کشت و گفت "من میخواستم این خون مشهور فلسطینی را بچشم". من کودکانی را دیدم که سرخویش را بر دیواری کوبیدند و میگفتند: "من کسی را دیگر در دنیا ندارم".

تایم پرس (خبرنگار اختصاصی بنگاه خبرگزاری رویتر) ۱۴ اوت

از طرف دیگر تایم پرس صحنه‌های غارت و تاراجی را که بچشم دیده است توصیف میکند :
 تاراج کنندگان همراه با دستگاہهای تلویزیون ، رادیو و بیلبورد از روی لاشه و اجساد " استالینگراد فلسطینی " می‌گذشتند . غارتگران بر روی ویرانه‌ها حمله‌ور میشدند و آنها را کاملاً تخلیه میکردند .
 اکثریت غارتگران میلیس‌های مسیحی هستند . آنها مطمئناً کار نصفه روزهای دارند ، که کفاف معاش آنها را نمیکند و با این چپاول و غارت‌بری بهتر کردن پول توجیبی خود حساب میکنند . تمام خانواده برای استفاده از این موقعیت با ماشینی بد آنجا آمده‌اند .
 در خیابان جسد کودکی افتاده است که چندین بار از رویش عبور کرده‌اند . از جسد فقط پاها هنوز شکل پستی انسان را دارد باقی‌مانده زیر زنجیر چرخ تانکها کاملاً له شده است .



اردوگاه تل العتیر در تاریخ ۱۹۷۶/۸/۹

روز ۱۲ اوت بیشک بعنوان روز فراموش نشدنی جنگ داخلی در تاریخ ثبت خواهد شد . آخرین تهاجم میلیس های سیحی بر علیه اردوگاه تل الرکتر ، با وجود قرارداد منعقد شده که انتقال تمام اهالی را تحت حفاظت صلیب سرخ تضمین میکرد ، خونین تر و وحشیانه تر از ۶۹ تهاجم قبلی آنان در عرض ۸ ماه محاصره بود صدها مرده و زخمی که بسیاری از آنان قتل و عام گشتند ، در گل بایستی تعداد ارگشته شدگان از زمان آغاز محاصره و بهاران تقریباً به ۲۰۰۰ بالغ شود و در بین آنان تعداد نامعلومی از فراریان که توسط میلیس های کامیبل شمعون و بیرجمایل بقتل رسیده اند . کسی نیست که صرف نظر از هر نوع تعاملی که انسان همیشه برای این و یا آن طرف دارد ، او را پایان غم انگیز تل الرکتر تکان ندهد . آیا در اینجا صحبت بر سر یک " پیروزی بزرگ " است آنطور که دست راستی های لبنانی ادعا میکنند ؟

دست راستی های لبنانی توانستند از طریق واقعه تل الرکتر به سه هدف بزرگ برسند اولاً مانع آن شدند که رود روش با " مصالحه افتخار آمیزی " پایان یابد که از طریق آن صورت ظاهر مخالفین حفظ شده و قرارداد نقل مکان بازماندگان گسوفلسطینی (منظور تل الرکتر است - مترجم) نیز تضمین میشد . ثانیاً از طریق نابودی هسته ها و گروه های مسلمان موفق شدند در مناطقی که تحت کنترل احزاب مارونیستی (کاتولیک ها) است همگونی مذهبی برقرار کنند . این احزاب جنگ داخلی لبنان خصلت " گمگش ملی " را تحمیل کردند و آن اینکه گویا لبنانیها علیه " خارجی ها " (فلسطینی ها) میجنگند . و از این طریق میتوانند بر روی مسئله رفاه های سیاسی واجتماعی که چپهای لبنان خواستاران هستند سرپوش گذارند . این موفقیت همگانه دست راستی ها مسلماً آنچنان تأثیری در جناح فلسطینی ها و لبنانیهای شرقی خواهد گذاشت که در آینده همزیستی طرفداران دینچه ب رادربلینان با زهم شگک ترمیکند .



طرف اران تقسیم لبنان به دو حکومت مذهبی میتوانند از این جهت خوشحال باشند. تکامل این اوضاع بدون سکوت قدرتهای بزرگ و سایر قدرتهای کوچکتر و بدون همکاری فعال و غیرفعال اکثریت حکومتهای عربی و بدون پشتیبانی مادی سوریه نمیتوانست باین درجه برسد. سوریه در حالیکه نیروهای متروقی لبنان و فلسطینی را در بسیاری از قسمت های سرزمین لبنان از کار انداخت، پیروزی نظامی دست راستیهای لبنانی را در تل العتر نیز امکان پذیر ساخت.

دولتهای عربی فراخوان یا سرعزفات را که در هفتههای گذشته برایشان ارسال داشت نشنیده گرفتند. شورای جامعه عربی که در اوائل ژوئن از سوریه درخواست کرده بود نیروهایش را از لبنان خارج کند، در دو صحنه مرحله خود باین که "به رهبران مقاومت لبنان توصیه میشود برای رسیدن به توافق با سوریه وارد مذاکره شوند" بسنده کرد بجز یک یادداشت استثنائاً حکومت ای عربی شدیداً با این که مسئله به شورای امنیت برده شود، آنطور که کوهت والد هایم خواهانش بود، مخالفت ورزیدند.

اینهم بخاطر بی تفاوتی آشکار اعضا "دائمی شورای امنیت" چندی بطول نیاورد، زیرا که آنان بیشتر به نفعشان بود روابط خویش را با "مستریان" عربشان حفظ کنند، تا زندگی هزاران کودک و زن سالخورده را نجات دهند. پیروزی مسیحیان در مراحل جنبه دیگری را نیز دارا است. منفرد کردن خلق فلسطین تنها میتواند همبستگی افکار عمومی عربی را که از تسخیر شدن خلق فلسطین عمیقاً متأثر گشتهاند، تقویت کند. سقوط اردوگاه تل العتر که زخم طبع کننده بود، به فدائیان آزادی عمل در سایر جبهه های جنگ را باز می دهد. برده یک صحنه از توازی بسته میشود. اما توازی ادامه دارد.



از اولین کینسلر از تلویزیون آلمان

انتقام فاتحان آنان يك فلسطيني مقتول را از وسط محله مسیحیان بیروت بروی زمین میکشند .
 . . . تماشاچیان در امتداد خیابان ابراز احساسات میکنند اجساد بسیاری از فلسطینی ها در این چند
 روزه در اوج بیرونی از وسط بخش مسیحی نشین فون ال شیبک ، سین ال فین ، اشرفیه ، بروی زمین کشیده میشود
 انسان باید بسیار سنگدل باشد اگر بآیدن یکی از این عکسها عموماً متاثر نشود تل الرعتر بقاوص پایان داد بانان
 قتل داده شده که قرار داد و نو اجرا خواهد شد اما اینجا درست در مرز بین بخش مسیحیان و مسلمانان هنوز فراریان
 تل الرعتر تیرباران میگردد . این دختر از جانب تیراندازان گشتی مسیحیان از ناحیه دهج تیر خورد هاست . سربازان
 عربی گروه صلح باو توجهی نمیکند . بروی سربازان عرب گروه صلح تیراندازی نمیشود بلکه تنها بروی شخصی هاتیر -
 اندازی میشود . تمام فراریان حکایت میکنند که بسیاری از مردان توسط سربازان مارونیاتی از کامیونهایزیر کشیده شده
 و درجا تیرباران گشتند (بیشتر از ۵۰۰ نفر در جمع) .

از دان گیلنزاز بی بی سی لندن

بسیار امکان دارد که کودکان تل الرعتر در سالهای آینده اعلام خطری برای وجدان وثبات خاورمیانه وشاید تمامی
 جهان گردند .

مجله آلمانی اشترن شماره ۳۵ سال ۷۶

مستخرج از گزارش روبرت فر

امروز هم روزی است مانند روزهای دیگر که نویسندهای لبنانی آنرا دوست داشتند .
 يك صبح تابستانی گرم وآسمان بی ابر . کمی دورتر پای سلسله کوی لبنان دریای مدیترانه موج میرزند . از اردوگاه
 تل الرعتر نسیم ملایمی میوزد . این نسیم بوی تعفن لاشه را میدهد . کلاوه ، همراه لبنانی من کلاه سیاه کابوسی
 خود را روی شتهای از مهفات که رویش نوشته شده " ساخت اسرائیل " بچشم میخورد ، فرامیدهد . او مسیحی است و
 يك لباس شیک بتن دارد و میتواند خوب یکی از لبنانی های باشد که بخارجیان قالی میفروشند . او هفت تیرش
 را بروی شلوار بزرگت زیاد اطوکشیده هاش ، مرتب میکند و با ششش از بالای شانها نشان میدهد . " بله
 پشت این ساختمان آشغالده ای تل الرعتر شروع میشود . دشمن لجن و متعفن آنجا نشسته است . اینجا مواضع
 بدافعان مسیحی لبنان است . تا طقه شش این آسمانخراش میتوانیم بالا رویم تا توجیزی ببینی یا لا خوشی بسیار
 بوات آرزو میکنم " .

از پله خانه تیرباران شده بیالا میخیزیم سه هفته پیش این خانه در خارجی ترین دایره حلقه تدافعی فلسطینی ها
 قرار داشت . در این مابین فلسطینی هاتقریباً ۸۰۰ مرتبه قیابانده شدند و حیطة عملیاتشان تا مرکز تل الرعتر کاهش
 یافت .

از بالا ، تل الرعتر آشکار جلوی چشممان قرار دارد . يك کیلومتر مربع مزرعه بزرگ ، محاصره شده از آسمانخراشهای
 بزرگ . هنوز بیست هزار فلسطینی بایستی در ویرانههای تل الرعتر موجود باشند . موجودات زنده ای که از شش هفته پیش
 در قلب منطقه لبنانیهای مسیحی روزانه بیش از ۳۰۰۰ نارنجک و باران گلوله های مسلسل لاینقطع را بخود و بجان
 گرفته اند . هیچ چیز حرکت نمیکند . در گوشه ای از خیابان هنوز تابلوی خطر که دو کودک مدرسمای را نشان میدهد
 بچشم میخورد . تابلو مانند آیکس سوراخ سوراخ شده است . در کنارش مدرسه که از نارنجک و گلوله در هم کوبیده
 شده ، قرار دارد . بیشتر شبیه يك مخروطه است .

محافظ من دور پیشتر را در دستم میگردد . " در آنجا در سایه بین خرابه ها گودال آب رای بینی ؟ و در بالای آب لوله
 آب بیماران شده ؟ نگاه کن در واد گودال آب ریخته ؟ "



يك كشيخ واقعي بسوی تل الزعتر نهر اندازی میکند



" ما راحت نخواهیم نشست تا هر لبنانی
واقعی حد اقل يك فلسطينی را کشته
باشد."
(بشیر جمایل، رهبر فالانژیستها)

بین دیوارهای جاه سایه‌هایی را تشخیص میدهم که باکی تعمق مثل لاشه انسان یادست، پیاوگاسه سر بنظر میرسند. در کنارم کلاوه، آداصشرا درد هنش میجود و بغرور توضیح میدهد:

" آنجا محل آبه، جایی که من شکار میکنم. کافیه در آنجا فقط منتظر بشم. تا آفتاب باندازه کافی در آسمان باشد و آنگاه تشنگی این موشهای صحرایی را از غارهایشان بیرون میکشد. تنها این طوره آنها دست مییابم اکثر بد نه‌های بیجان کوچک میباشند، گمان می‌رود که کودکان هستند."

کمبود آب در نبرد بر سر تپه‌های تی میان نقش تعیین کننده‌ای داشت. مسیحیان زمانی که در قاز محاصره این منطقه ضعیف اصلی اردوگاه را سد و کردند، گمان میکردند که پیروزی را در جیب خود دارند ولی تا این مدت آبی که از بین قطعات سنگ می‌چکید، آبیکه از سوراخهای قدیمی آب میتوانست بدست آید، کفایت کرده است. آشپزی شدیداً قهقش بود دکتر هادر حین عمل اجازه شستن بیش از کیبار دست خود را نداشتند. تا عمل و طافتد رتل الرعتر برای فلسطینی‌ها تنها سگله وزندگی تقریباً ۲۰ هزار فلسطینی در بند نمیباشد. تل الرعتر از دتی باین طرف مظهر و سعل نیسرویی مقاومت گل خلق فلسطین شده است. تل الرعتر یک استالین‌گرا برای فلسطینی‌هاست. تا آخرین قطره خون خود خواهم جنگید" این صدائی است که فلسطینی هادر تل الرعتر از رادیو اعلام میکردند. و در منطقه‌ای دورتر از اردوگاه رهبر PLO یاسر عرفات شعارهای تجمل و مقاومت میدهد: " کلمه تسلیم از گنجینه لغات خلق فلسطین خط خورده است."

در جنگ داخلی ۱۶ ماهه کاتولیک‌ها اینج منطقه تحت نفوذ مسلمانان را از بین برده‌اند.

در طع و قح کرانتینا، کلاوه هم بود. اما این بار نه با شلوار سفید اطوکشیده بلکه در اینفورم سربازی خود. او میگوید: در ماه ژانویه قلب آنها زنده زنده با آتش کشیده شد. ما گذاشتیم بسیاری از زنان و کودکان که هنوز بیرون میآمدند فرار کنند. همه مردم را در قرنطینه جمع کردیم. میفهی؟ گفتیم خطر بیماری واگیر و پس از سه روز همه این لجن هارانا بود کردیم. " کلاوه می‌خواهد اکنون جشیرالما - پاشا، قسمت کثاری اردوگاه تل الرعتر را که اواخر بونسی به صرف درآمده نشان دهد. هنوز ۱۰۰ متر مانده بخانه مرادرون یک کارخانه کوچک هول میدهد. دیوار از یک ضرت نارنجک در هم ریخته شده. بین نیمکت‌های کارخانه اجساد مردگان هنوز بچشم میخورند. فقط از پراهن و لباسهای مردگان میتوان به هویت زن جریامرد بودن آنها پی برد. گرمای ژوئیه صورت اجساد را بسرعت غیر قابل تصویری پوشانده است. " در حقیقت قصد داشتیم اینهارا هم بسوزانیم " کلاوه ادامه میدهد: " اما، آنزمان حتی باندازه کافی بنزین برای تانکهای خود نداشتیم؟. ارسه سال پیش فلسطینی‌های تل الرعتر خود را برای ساعت وجود آماده میکردند."

اکثرت ۳۰ هزار جمعیت تقریباً یک سوم آنها مسیحیان ارتدوکس یونانی اهل فلسطین میباشند - هرگز اسلحه‌ای در دست نداشتند و هرگز خواهان جنگ داخلی نبودند. اما آنها در زیر سنگهای کلبها و تخته پاره‌های کوه برای خود قاز ساختند، تونل کشیدند و محفظه‌هایی برای تغذیه، انبارهای اسلحه و مهمات ساختند. زیرا یکبار در سه سال پیش کم مانده بود اردوگاه مورد تهاجم قرار گیرد. آنزمان رئیس جمهور فرانسی بمریازان خود دستور داد ضعیف ناآرامی را در سرزمین خود نابود کنند درخواست مسیحیان تا با امروز هم کوچکترین تغییری نیافته است.

یک افسروفا را به فرانسی گفت: " این اردوگاه مانند یک غده سرطانی در لبنان است."

بدتر از همه اینکه فلسطینی‌ها مورد خیانت حامی قبلی خود حافظ اسد قرار گرفته‌اند. زیرا اسد آنطور که فلسطینی‌ها اما میکنند از آنجا تیکه قادر نبود بلندیم ای جولان را یا فوای نظامی جنگ آورد، اکنون خود را بصورت رهبر شرق نشان میدهد: تغییر موضع ناگهانی اش در قبال دشمن اسرائیل (اشترن شماره ۳۴ سال ۷۶) بعد از خاتمه جنگ بوسپله خاک لبنان پاداش داده خواهد شد.



حالت صورت این فلسطینی زخمی شده از تل الرعتر نمایانگر رنج تشنگی، کرسنگی و گرمای شش هفته محاصره می باشد .

اسد به ۱۵ هزار سرباز خود دستور داد چیزی را انجام دهند که مسیحیان با تل الرعتر انجام دادند . یعنی مناطق تحت اشغالی فلسطینی ها را از جنگشان خارج کنند ، به قحطی بکشانند و مثل وزش باد تیراندازی کنند . برای آنکه در سوریه تبلیغات اسد مبنی بر ایجاد " صلح " افشا نکردد بیش از ۳۰۰۰ از سربازان زخمی سوریه در بیمارستانهای نظامی رفیق متحد شاردن بستری گردیدند .

بسیاری از خلبانان بمب افکن های سوریه در خارجه فرود آمدند ، زیرا که آنها نمیخواستند و حاضر بیرواز و بیماران برادران عربشان در اردوگاه های فراریان نبودند . احمد آل تورمانقین ۲۴ ساله که با هواپیمای میگ ۲۱ خود به بغداد فرار کرده بود به اشتون میگوید :

" اغلب ماهها در جنگ جم کیپور بر علیه اسرائیل جنگید هایم و حالا بسیاری از ماها در زندانها نشسته اند . برای اینکه تیراندازی بسوی برادران عرب خود کردیم . یک پدر عرب پسرش را بزرگ میکند برای اینکه او را در بلندیهای جولان شهید ببیند نه در لبنان . "

در حالیکه در تل الرعتر افراد صلیب سرخ با ماسکهای ضد گاز زخمی ها را از مهلکه خارج میکنند ، توخانه سوریه آتش سنگینی را از قسمتهای کوهستانی بروی فلسطینی هائی که از خارج میخواهند هموطنانشان را یاری کنند ، باز کرده است .

خورشید که اکنون در پهنای آسمان قرار گرفته ، بیرحمانه بروی بارکنشهایی که پراز انسانهای زخمی و آماده حرکت هستند میتابد . کنار من دروی بالکن یک آسمان خراش مراقب من کلاوه فحش میدهد " کثافت ، آنها از راه دیگری میروند ، اگر آنها از اینجا رد میشدند میتوانستم زوی سرشان نارنجک پرت کنم - البته بطور کاملاً سهوی " . تل الرعتر بعد از ۵۴ روز از دست رفته . مسیحیان آخرین چاههای آب را تصرف کرده اند و بعد هم این اردوگاه ویران شده از بمب را بنبر چرخهای تانکهایشان کشیدند . فلسطینی ها با کارد و سرنیزه دفاع میکردند . " یک فلسطینی پیر که اکنون در کامیون صلیب سرخ بین زخمیها بود ، اینطور تعریف میکرد : " تیرهایمان تمام شده بودند . ما موشک پرتاب کن داشتیم ولی موشک نداشتیم نه آب داشتیم و نه غذا و نه هیچ چیز دیگر .

بخشی از سخنرانی مذهبی از تلویزیون آلمان دکتر یوک سینک اشتونگارت

ما هر روز درباره مبارزات و قتل و عام در لبنان می‌شنویم . . . ما شاهد خودکشی آرام یک کشور شکوفان هستیم . یک تراژدی که بطور غیر قابل فهم با کلمه مسیحیت " رابطه دارد " مسیحیان تیراندازی میکنند " میکنند مسیحیان بیرحمند " و یاد در بالای صفحات نوشته میشود : مسیحیان با تانکهای که بر روی آنها عیسی بر صلیب نقش بسته است دها ت بید فاع را از بین میبرند . از من خواهش شده است که در این مورد چیزی بگویم . اما من چه میتوانم در مورد این افتضاح بیان کنم چیزی که هر مسیحی با ایمان را از خواب باز میدارد . اما سه چیز میتوان گفت اولاً : این یک جنگ دینی نیست . در ابتدا این یک جنگ بین لبنانیها و فلسطینی ها بر سر حکومت در کشور بود اما فلسطینی هانه فقط مسلمانند بلکه مسیحی هم هستند . قبل از هر چیز این یک جنگ اجتماعی بین فقیران و ثروتمندان ، بین محافظه کاران و سوسیالیستهاست . اینجا هم در هر دو طرف مسیحیان موجودند . جورج حبش فرمانده جبهه خلق یک ارتد و کس مسیحی است . قائم معظم بزرگترین کلیسا دوست فلسطینیهاست . کلیساهای فرم شده بین دو جبهه قرار دارند و به صلیب سرخ کک میکنند . اگر انسان خوب نگاه کند می بیند که مسلمان و مسیحی میجنگند و اگر گفته شود که مسلمان مقابل مسیحی های جنگ در دست قل اینک گفته شود یک سابقه فوتبال بین لهستان و برزیل و همانند یک سابقه بین سرخپوستان کاتولیک های می باشد . رهبر کلیساهای جهان چند روز قبل بوسیله یک بیانیه در مورد لبنان از دستگاههای ارتباط جمعی درخواست کرد که واژههای مناسب را درباره هر دو جبهه انتخاب کنند . ثانیاً سردرگمی این است که گویا هیچ حزبی در لبنان وجود ندارد . لبنان بوسیله . . . ۱ خانواده حکومت میشود ، نصف مسلمان نصف مسیحی . ثروتمندان حاکمین هستند . هر کس می خواهد حزبی بوجود آورد ، فقط میتواند آنرا در تحت مجامع دینی انجام دهد . و بدین ترتیب از صلیب بعنوان نشان حزبی استفاده میشود . ثالثاً در این کشور جنگی رخ نمیداد اگر دستهای شرقی و غربی در کار نبودند و همین طور سلاحها وارد مرزهای این کشور نمیشدند . لبنان از بین می رود فقط بخاطر معامله قدرتهای خارجی که بار پنهانندگان را باین کشور تحمیل نمود هاند و نمیتوانند بگویند که چه چیز باید انجام گیرد . شاید امیدوارند که مسئله را میتوانند بوسیله جنگ داخلی حل بکنند .

جنگ داخلی لبنان جنگ داخلی نیست (خبرگزاری رویتر)

بنابه توضیح کلیسای پروتستان آلمان جنگ داخلی لبنان جنگ مذهبی نیست ، بلکه مبارزات اجتماعی ، ملی و اقتصادی گروههای مختلف است .

فراخوان اتحادیه پزشکی فرانسوی - فلسطینی (بخشی از بیانیه اتحادیه)
 آنچه به تل الزعتر مربوط میشود همه جا هر روز شرمندگی بیشتری نمایان میشود زیرا اجازه داده شد که این جنایت بزرگ بنام مسیحیت بوقوع پیوندد .
 بندرت میتوان جنایت سیاسی ای سراغ داشت که در آن تا این اندازه همدستان ، طراحان و اجرا کنندگان مستقیم و غیر مستقیم دولتی وجود داشته باشند . پافشاری بر روی نابودی خلق فلسطین و همچنین نابودی آنچه که بیانگر مبارزه و خواستههای این خلق است اکنون دیگر برای دیربازترین افراد هم بصورت امر مسلحی در آمده است .

ثورة حتى النصر



بها ۲۰ ریال

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان